



هنرمند سنتی دوز محله کلاهدوز:

آرامش، ارمغان انجام کارهای هنری است

هم محلی

۵۸
زمانی

یکی از هنرهای اختصاصی هر کشوری رودوزی های سنتی آن است که انعکاسی از فرهنگ و هنر مردمان آن سرزمین است. به دلیل قدمت تاریخی دوخت های سنتی در کشور ما پرداختن به آن ضرورت بیشتری پیدا کرده است. با وجود تداخل فرهنگی و مدرنیته شدن بسیاری از هنر مندان امروزه به این هنر روی آورده اند تا به احیاء و تداوم این هنر سنتی کمک کرده باشند. آرزو اسماعیلی، ساکن محله کلاهدوز، از این دسته افراد است که سال هادر این زمینه فعالیت دارد. ساعاتی با او گفت و گو کردیم.

● اهمیت هنر در خانواده

آرزو اسماعیلی در ابتدا به ذات هنری خود و ارزش هنر در خانواده اش اشاره می کند و می گوید: سال ۵۹ در یک خانواده هنر دوست در تبریز متولد شدم. پدرم در کارخانه تراکتور سازی تبریز مشغول به کار بود اما در کنار آن قالببافی می کرد. او از پنج سالگی قالببافی کرده و به نوعی پشت دار قالی بزرگ شده است. او نقشه های قالی را خودش طراحی می کرد، از صفر تا صد یک قالی را خودش انجام می داد و تا ۱۰ سال پیش به این حرفه مشغول بود. برادرانم نیز پیرو ایشان پشت دار قالی می نشستند و در این حرفه سر رشته دارند. من با آنکه به هنر علاقه داشتم اما از این کار رنج می بردم. همیشه به پدرم می گفتم وقتی قالی را می بافی و آن را روی زمین می اندازند و روی آن قدم بر می دارند گویی پایشان را روی چشمانت گذاشته اند و من به همین دلیل رنج می بردم زیرا شاهد زحمت کشیدن او پای دار قالی بودم. با این حال زمینه هنری و علاقه به هنر در ریشه خانوادگی ما وجود داشت. سال ۶۸ علاقه پدر به امام رضا (ع) ما را به سکونت دائم در مشهد سوق داد. ما به مشهد آمدیم و در خیابان سنایی ساکن شدیم. دوری از فامیل و نبود هم زبان برای من سختی هایی به همراه داشت گرچه خود را با نخ های قالی سرگرم می کردم. پدرم برای کارهای هنری ارزش بسیاری قائل بود و زمانی که دیدم من با نخ های قالی چیزی را بر روی پارچه نقش آفرینی می کنم من را به ادامه این کار تشویق کرد. به دوخت و دوز علاقه بسیاری داشتم. به یاد دارم دوران راهنمایی را در مدرسه شهید بتول چراغچی در محله صاحب الزمان (عج) تحصیل می کردم. مربی درس حرفه و فن آن زمان من خانم محسنی یکی از استادان سوزن دوزی کشور بود و هفته ای یک بار به مادر آن حوزه تدریس می کرد. گلدوزی با دست را من از ایشان آموختم و همان دوران یک جامناز گلدوزی شده برای پدرم دوختم. سال های بسیاری از آن زمان گذشته اما هنوز پدرم آن جامناز را در میان سجاده خود نگه داشته است و این موضوع برای من جای خرسندی دارد.

● کسب پروانه تولید انفرادی و مشاغل خانگی

سال ۷۴ ازدواج کردم و همچنان به کار دوخت های سنتی و تزیینات لباس مشغول بودم. سال

۸۸، ۸۹ در کلاس های فنی و حرفه ای شرکت کردم و با آموزش دوره های سرمه دوزی زیر نظر مهین پزشکی و همچنین رودوزی های الحاقی موفق به کسب مهارت های فنی و حرفه ای شدم. سال ۹۰ نیز توانستم پروانه تولید انفرادی را از اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری دریافت کنم. بر این اساس در منزل کارگاه کوچکی ایجاد کردم و سال ۹۶ طی بازدیدی که اداره ارشاد و فرهنگ اسلامی از کارگاه من داشت مجوز مشاغل خانگی را هم کسب کردم. آن زمان سفارش می گرفتم و درآمد خوبی داشتم. حتی گروه اینترنتی هم ایجاد کردم و از آن طریق مشتریانی از سراسر کشور داشتم. برای عید امسال نیز برنامه ریزی های بسیاری کردم و قصد داشتم افرادی را به عنوان نیروی کار آموزش دهم اما کرونا آمد و رونق کارمان را گرفت و اکنون بهترین خبری که انتظار شنیدنش را دارم از بین رفتن کامل این بیماری است.

او ادامه می دهد: در کنار دوخت های سنتی و دوخت های دستی نظیر سوزن دوزی، منجوق دوزی، منجوق بافی، قیطان دوزی و ایربشم دوزی به دوخت های اکسسوری نیز می پردازم. دوخت های مختلف را با هم ادغام می کنم و کارهای تلفیقی انجام می دهم. با این حال با توجه به بازار و درخواست مشتریان در بخش های مدرن، سنتی و فانتزی کار می کنم که از آن می توان به کیف و کفش، لباس، کمر بند، مانتو، چادر، لباس، گوشواره، دستبند و... اشاره کرد. همچنین تابلوهای مختلف نظیر «وان یکاد» سرمه دوزی شده ارائه کرده ام. سال گذشته در نمایشگاهی در بوستان کوهسنگی شرکت کردم که متأسفانه غرفه های موجود با یکدیگر هماهنگی نداشت. در همان نمایشگاه عرب زنان استقبال خوبی از آثار کردند در حالی که ایرانیان فقط از زیبایی کار تعریف می کردند و برای خریداری آن اقدام نمی کردند. به طور کلی کار دست کار خاص پسند است و فقط هنر دوستان برای آن هزینه می کنند.

● لزوم ایجاد نمایشگاه دائمی صنایع دستی

در حال حاضر وضعیت اقتصادی خوبی در کشور وجود ندارد و از طرف دیگر بیماری کرونا نیز به تمام مشاغل آسیب رسانده است. هنر مندان هم آن طور که باید مورد حمایت قرار نمی گیرند و ما اگر بخواهیم جایی را برای عرضه کالا هایمان اجاره کنیم باید بهای زیادی را پرداخت کنیم. در حالی که درآمد کافی برای پرداخت اجاره را نداریم. از طرف دیگر وسایل اولیه نسبت به گذشته با افزایش چندبرابری قیمت رو به روست. بهتر است شهرداری یا اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی جایی دائم در مکانی مناسب که زائران نیز به آنجا رفت و آمد دارند برای صنایع دستی ایجاد کند و در این باره اطلاع رسانی هم شود طوری که همه بدانند جای مخصوصی برای خرید صنایع دستی در شهر وجود دارد. با این حال زمانی که به کار هنری می پردازم گذر زمان را احساس نمی کنم و حتی مشکلات و دغدغه ها را فراموش می کنم. به این هنر علاقه بسیاری دارم و ارمغان هنر به من آرامش است. هنر چیزی است که شما را از دنیای مادی و دغدغه ها خوانه خواهر بیرون می کند و می تواند گزینه خوبی برای هر فرد باشد. ■

“

برای عید امسال
برنامه ریزی های
بسیاری کردم اما
کرونا آمد و رونق
کارمان را گرفت

”